

یاغیان

اریک، مایس باوم

مترجم
عطاالله نوریان

این کتاب ترجمه‌ای است از:

Bandits

Eric Hobsbawm

سرشناسه:	هوبزباوم، اریک جی، ۱۹۱۷-م. Hobsbawm, Eric John
عنوان و نام پدیدآور:	یاسغیان / مؤلف اریک هابس‌باوم، مترجم عطاالله نوریان
مشخصات ناشر:	تهران: نشر قله، ۱۳۹۰
مشخصات ظاهری:	۲۱۶ ص. مصور
فروست:	سلسله انتشارات ... ۱۴۷۰ علوم اجتماعی - ۶۶
شابک:	978-600-119-434-4
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیبیا
یادداشت:	عنوان اصلی: Bandits, 2000
موضوع:	راهزنان
شناسه‌ی افزوده:	نوریان، عطاالله، مترجم
رده‌بندی کنگره:	۱۳۹۰ ی ۹ هـ / HV ۶۴۴۱
رده‌بندی دبیری	۳۶۴/۱۵۵۲
شماره‌ی کتابشناسی ملی:	۲۵۰۹۶۴۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۱۹-۴۳۴-۴ ISBN: 978-600-119-434-4



نشر قطره

یاغیان

اریک هابس باوم

مترجم: عطالله نوریان

چاپ اول: ۱۳۹۲

چاپ: دیجیتال نقش

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

بها: ۸۰۰ تومان

تمام حقوق برای ناشر محفوظ است
تکثیر تمام یا بخشی از این کتاب به هر شکلی
(به صورت صوتی، تصویری، الکترونیکی و...)
منوط به اجازه‌ی کتبی ناشر است.

خیابان فاطمی، خیابان ششم، کوچه‌ی خجسته شرقی، پلاک ۱۰

دورنگار: ۸۸۹۶۸۹۹۶

۳ - ۸۸۹۷۳۳۵۱

صندوق پستی: ۱۴۱۵۵ - ۵۱۶۵

www.nashreghatreh.com

nashreghatreh@yahoo.com

Printed in The Islamic Republic of Iran

فهرست

پیشگفتار	۹
پیشگفتار بر چاپ پنجم	۱۳
۱. راهزنی اجتماعی چیست؟	۱۷
۲. چه کسی یاغی می‌شود؟	۳۳
۳. راهزن شریف	۴۷
۴. کین خواهان	۶۷
۵. هایدوک‌ها	۸۳
۶. جنبه‌های اقتصادی و سیاسی یاغیگری	۹۹
۷. یاغیان و انقلاب	۱۱۷
۸. مصادره‌کنندگان	۱۳۳
۹. راهزن به مثابه ثَماد	۱۵۵
زنان و یاغیگری	۱۶۳
تساویر	۱۶۷

اریک ج. هابس باوم در ۹ ژوئن ۱۹۱۷ به دنیا آمد. در وین، برلن، لندن و کمبریج تحصیل کرد. از ۱۹۴۹ تا ۱۹۵۵ عضو کالج کینگز کمبریج بود. اکنون [۱۹۷۲] استاد تاریخ اقتصادی و اجتماعی کالج برک بک، دانشگاه لندن است. در دانشگاه استنفورد و انستیتو تکنولوژی ماساچوست (MIT) نیز تدریس کرده است. آثار مهم او عبارتند از: شورش گران بدوی (۱۹۵۹)، عصر انقلاب (۱۹۶۲)، زحمتکشان (۱۹۶۴)، کاپیتان سوئینگ (۱۹۶۹)، همراه با جُرج رود) صحنه جاز (با نام مستعار فرانسیس نیوتن) و صنعت و امپراتوری (۱۹۶۹) [این اثر مهم به فارسی ترجمه شده و امید است به زودی منتشر شود]. عنوان اصلی این کتاب *Bandits* است که با توجه به سنت‌های مشابه در ایران، اصطلاح یاغیان را به جای راهزنان برای آن برگزیدیم. لیکن در متن هر دو اصطلاح، یاغی و راهزن، غالباً جانشین همدیگرند.

بیشگفتار

اکثر مطالب این کتاب، به استثنای فصل هشت، که متکی بر تحقیق دست اول است، بر پایه مطالب منتشر شده فراهم آمده است. هر چند دستیابی به بعضی از آن‌ها دشوار است. در مورد ممالک متعددی که زیاتشان را نمی‌دانم یا نشریاتشان در دسترس من نبود، مرهون دوستان و همکارانی هستم که با آگاهی از علاقه من به این موضوع، اطلاعات ضروری را تلخیص کردند و یا به احتمال زیاد خود فراهم آوردند. این نکته در مورد بسیاری از ارجاعات من به یاغیگری در بلغارستان، یونان، مجارستان، روسیه، ترکیه و تونس، و همچنین در مورد بعضی مطالب که درباره ممالک مختلف آمریکای لاتین، شبه قاره هند، ایتالیا و اسپانیا نوشته‌ام، مصداق دارد. از این یاران، دانشور رابین هود، و سمینارهای متعددی که در انگلستان و ایالت متحده به بررسی مباحث این کتاب پرداختند و منابع تازه‌ای در اختیارم گذاشتند، سپاسگزارم. همچنین از کتابخانه دیدنر دانشگاه هاروارد، که به گمان من جای مناسبی برای کار پژوهشگران است، سپاسگزارم. از کمک‌های خاصی که از این و آن گرفته‌ام، در زیرنویس‌ها که

کوشیده‌ام به حداقل ممکن باشد، در کتاب‌شناسی و در پایان این پیشگفتار یاد کرده‌ام. سپاس ویژه از انژو کره‌آز ژم، از م. آنتوان تلز از پاریس و از گروهبان خوزه آلونس از پامپاگرانده، (چاکو، آرژانتین) کشاورز و پلیس سابق روستا، که خطراتش در مورد یاغیان دسته‌کوری‌نیتس و چاکو، که مورد احترام و تعقیب وی بودند، تقریباً تمامی نکات تحلیل فصل سوم را تأیید می‌کند. فقط متأسف هستم که آشنایی با وی پس از اتمام متن این کتاب دست داد.

دو تذکر مختصر در باب روش: نخست، با خواندن کتاب روشن خواهد شد که من کوشیده‌ام تبیین کنم که چرا پدیده یاغیگری در سراسر قرون و سرزمین‌ها، به این شدت یکنواخت است. آیا این تبیین را باید به آزمون گرفت؟ آری. در مناطقی که تا کنون بررسی نشده‌اند، استفاده از این تبیین برای پیش‌بینی کلی چگونگی رفتار یاغیان و حکایات مردم درباره آنان، محتاج آزمون است. رساله حاضر به تدقیق «الگو»یی می‌پردازد که پیشتر در کتاب شور شگون بدوی طرح کرده بودم. تقریباً تمام آن کتاب مبتنی بر اطلاعات مربوط به اروپا - عمدتاً اسپانیا و ایتالیا - بود، ولی به گمان من با این اثر تناقضی ندارد. با این وصف هر چه دامنه تعمیم گسترده‌تر شود، احتمال این که ویژگی‌های فردی از قلم بیفتد، بیشتر می‌شود.

تذکر دوم. من به هر گروهی از منابع تاریخی نسبتاً گمراه‌کننده، یعنی ترانه‌ها و حکایات منظوم، تکیه داشته‌ام. البته خطراتی از این قبیل که در حافظه مردم و افسانه‌هاست، گرچه در اصل متکی بر رویدادهای حقیقی‌اند، از نظر تحقیق در وقایع یاغیگری، کاملاً غیر قابل انکار هستند. لیکن براساس این منابع می‌توان به‌طور ضمنی به آگاهی‌هایی درباره محیط اجتماعی یاغیگری دست یافت، لااقل تا جایی که بتوان مطمئن شد که دلیلی برای تحریف نیست. اما مسئله جدی‌تری هم هست: «افسانه یاغیان» تا چه اندازه می‌تواند بر نقش واقعی رفتار یاغی پرتوافکنی کند؟ به عبارت دیگر، نقش واقعی یاغیان تا چه حد با نقش اجتماعی‌ای که دنیای دهقانان بدان محول

می‌کند، منطبق است؟ مسلماً میان این دو ارتباطی هست. امیدوارم در تشخیص و تدقیق این ارتباط، از جادهٔ عقل سلیم دور نیفتاده باشیم.

نکات فوق، برای جامعه و مورخان اجتماعی است که به موضوع یاغیان توجه خاصی مبذول می‌دارند. لیکن امیدوارم این کتاب نه فقط درخور آنان باشد، بلکه دیگران نیز آن را با علاقه بخوانند و سودمند یابند، دیگرانی که با این سخن چارلز مک‌فارلین، پژوهندهٔ متقدم این موضوع، که می‌تواند سرلوحهٔ کتاب من باشد، موافقت کند: «کمتر موضوعی هست، که به اندازهٔ ماجراهای راهزنان و یاغیان ما را به خود جلب کند».

برای کمک در یافتن تصاویر و تشخیص آدم‌های آنان، مدیون استاد ب. چوتکوا از صوفیه، س. آ. کورون از مؤسسه مطالعات شرقی و آفریقایی، خانم فی‌کینگ بلاگ برن، ریچارد راجرز و خانم جورجینا بروکز هستم.

لندن، ژوئن ۱۹۶۹

ا.ج. هابس باوم

پیشگفتار بر چاپ پنگوئن

مطالب کتاب در چاپ حاضر اندکی افزون شده و تغییر یافته، لیکن پایه استدلال اساساً تغییر نیافته. انتقاد مهمی که توسط آنتون بلوک بر این کتاب شد، مرا متقاعد نمی‌کند. او می‌گوید که «یاغی شریف» یا رابین هود تقریباً به کلی افسانه است و بازتاب رفتار واقعی یاغیان نیست، بلکه نشانگر توقع مردم عادی از وی یا هر یاغی دیگری است. او مدعی است که یاغیان واقعی به اندازه دیگران به دهقانان ظلم می‌کنند. تردیدی نیست که صفات رابین هود را به اشاری از قبیل یوهان گئورک گرازل (معدوم در وین، ۱۸۱۸)، از جرگه تبهکارانی که در شمال غرب اتریش سفلی تاخت و تاز می‌کردند، نسبت داده‌اند. (دوست من گئورک آیزلر مرا متوجه وی کرد.) لیکن به نظر من شواهد کافی در دست است که نشان می‌دهد لااقل بعضی یاغیان مثل رابین هود رفتار می‌کردند و خوانندگان نکته‌سنج کتاب من درمی‌یابند که من ادعا نکرده‌ام «یاغیان شریف» فراوان هستند.

مطالب افزوده در این چاپ بیشتر مربوط به آمریکای لاتین است. لیکن خوانندگان مهربان، اندیشه‌هایی را با من در میان گذاشته و منابعی را معرفی کرده‌اند که به تکمیل تصویر کمک می‌کند. کارلوکاتری توجه مرا به

راهزنان تاسمانی در اوایل قرن نوزدهم جلب کرد. اینان مجرمین فراری بودند که در گوشه و کنار جامعه مجرم زندگی می کردند. جُرج پارسونز از ملبورن [استرالیا] از یک نمونه یاغیگری شهری یاد می کند. این یاغی به نام دارسی دوگان در ۱۹۷۰ به خاطر دستبرد به بانک تحت بازداشت بود. پارسونز می نویسد:

دوگان در دهه ۱۹۵۰ به مقام به اصطلاح راهزن اجتماعی ارتقا یافت. او به خاطر چند اتهام سرقت مسلحانه دستگیر شد. لیکن طبقه کارگر استرالیا معتقد بود که اکثر این جرایم را مجرمین دیگری که پلیس نمی تواند یا نمی خواهد بازداشت کند، مرتکب شده اند. دوگان در سخاوت مشهور بود و لاقل در سیدنی او را همتای رابین هود می دانستند... یادم هست که پیرمردی در میخانه لنگرگاه به من می گفت: «دارسی یک آقای تمام عیار بود، و آن ها می خواستند او را از بین ببرند چون سوسیالیست بود و به سرمایه داری اعتراض داشت. آن ها از کار قاتل ها سر در می آوردند، اما از کسانی چون دارسی چیزی سرشان نمی شود، این ها انقلابی هستند.» وقتی در سال ۱۹۶۷ آزاد شد، ظاهراً در محیطی خشن به مددکاری اجتماعی پرداخت و شهرتش باعث شد که در این شغل نسبتاً موفق باشد می توان شهرت او را با راهزن شهری دیگری به نام حبسوس آریاگا اهل مکزیک مقایسه کرد که در میان تمام مردم به عنوان «راهزن شریف» شهرت داشت. نویسنده یک کتاب عامه پسند درباره آریاگا وی را دارای «نظریه های سوسیالیستی ای که الهام بخش برنامه انتقام و مبارزه اش بود» دانسته است. ریچارد رت بون از مدرسه مطالعات شرقی و آفریقایی در لندن، معتقد است که جست و جوی عمیق تر در صحرای آفریقا می تواند برای مطالعه در کار یاغیگری مفید باشد. حاصل مطالعات محلی او در غنا اطلاعاتی است در باب «یک گروه که به قاچاق کاکائو اشتغال داشتند و شاید هنوز هم دارند و نظر ماندون از شهرت مردمی برخوردار بودند و برای رساندن بارهای خود از غنا به توگو از راه های ناشناخته با

خطراتی مواجه می‌شدند؛ سبب قاچاق این متاع آن است که قیمت آن در یک کشور تثبیت شده و در کشور دیگر آزاد است. این مردان به خاطر چابکی خود و دست و دلبازی‌شان آن هم در سرزمینی بالنسبه فقیر، شهرت داشتند. در اوه دربارۀ درگیری‌های آنان با مرزبانان و پلیس ترانه‌هایی ساخته‌اند. «آنان هم با حکومت استعماری مخالف بودند و هم با نکرومه، و مدعی بودند که هواخواه خوب اوه‌ای‌ها به عنوان کنگرۀ توگولند هستند. «مطمئن هستم که در سراسر آفریقا می‌توان حکایاتی از این قبیل یافت».

ویلیام پومروی می‌نویسد که «تاریخ فیلیپین، به‌خصوص در قرون نوزده و بیست، سرشار است از نمونه‌های یاغیگری اجتماعی و نهضت‌های مسیحاطلب». تجربه خود او در مورد چریک‌های هوک این استنباط را تأیید می‌کند. ارنست وانگرمَن از خصوصیات رابین‌هودوار یک یاغی آلمانی در اواخر قرن نوزدهم، به نام میلیارایی یاد می‌کند.

و بالاخره دوستانم از ماجرای یک زن مسدۀ معروف دهاتی در ایالت بیهار [هندوستان] حکایت می‌کنند که زندگی شورشی‌اش موجب شد به حزب کمونیست هند (CPI) بپیوندد. این ماجرا پیوندهای میان یاغیگری اجتماعی و انقلاب اجتماعی را اثبات می‌کند. می‌گویند وی در دورۀ رابین‌هودگری چنان به تقسیم پول اربابان میان فقرا عادت کرده بود که به سختی می‌شد از او خواست برای حزب پول جمع کند، زیرا غالباً آن را به جای تسلیم به سازمان‌های بالاتر، تقسیم می‌کرد. در آمیختن روحیات مربوط به دو نوع طغیان این‌گونه مشکلات به وجود می‌آورد...

من از این گزارشگران و همچنین کسانی که مرا از منابع چاپی دیگر باخبر ساختند و از بعضی از آن‌ها در متن تجدیدنظر نشده‌کنونی استفاده کرده‌ام، ممنون هستم.